



بعد از آن حضور، تحلیل‌های مختلفی شد؛ مبنی بر اینکه حضور مردم از سر انتقام خواهی و محبوبیت فردی قاسم سلیمانی به جای حمایت سیاسی بود. تحلیل شما از آن جمعیتی که به خیابان‌ها آمدند چیست؟



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: معتقد آن جمعیت، سرمایه اجتماعی سردار فاتح بود. سرداری که مواظب مرزهای امنیتی کشور بود. حتماً باید به عراق و سوریه سفر کنید و بعد دستاوردهای شهید سلیمانی را ببینید. در آن زمان طبق راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی اگر تهدیدی به ۴۰ کیلومتری مرزهای کشور برسد، ایران موظف به مقابله نظامی با این تهدید است. در آن زمان داعش به چهل کیلومتری مرز ایران رسیده بود و از آن زمان بود که اولین شکست‌ها برای داعش توسط شهید سلیمانی و یارانش و البته تمام نیروهای نظامی و بسیج و سپاه ایران رقم خورد. اولین هوایماها و جنگنده‌هایی که مواضع داعش را بمباران کردند، از ارتش ایران بود و شهید سلیمانی هم در ادامه جنگ سپاه قدس را سازمان داد و در سراسر دنیای اسلام گستراند و علیه این انحراف بزرگ منطقه و تهدید بزرگ امنیت ملی کشور وارد جنگ شد و در انتها جان خودش را هم فدا کرد. علت حمله آمریکا به شهید سلیمانی این بود که همواره شکل‌گیری گروه‌های افراطی منطقه در راستای سیاست امنیتی آمریکا بود و ترامپ هم رسماً اعلام کرد که اوایما داعش را به وجود آورده بود. در چنین شرایطی به‌طور طبیعی تهدید داعش فراتر از یک تهدید مرزی بود و این بزرگترین تهدید

سید محمود میرلوحی:
در مجموع این نهادهای قدرت در مصرف ذخایر دینی، ملی و سرمایه‌های ملی، درست و کارشناسانه عمل نمی‌کنند و طبیعتاً جمعیت ریزش پیدا می‌کند

بعد از جنگ تحمیلی توسط شهید سلیمانی از بین رفت. حامیان شهید سلیمانی از همه کسانی که در این راه شهید شده بودند قدردانی کردند و نمونه آن را در تشییع پیکر شهید حججی دیدیم. این چیزی است که در تاریخ باقی خواهد ماند، همچون سرداران فاتح جنگ‌های بزرگ در غرب کشور. اما دو دسته افراد به شهید سلیمانی و سرمایه اجتماعی او ظلم کردند؛ دسته اول کسانی بودند که از سلیمانی شکست خورده بودند که در رأس آن آمریکا و جریان افراطی‌گری وهابی و سلفی و البته برخی از رسانه‌های معاندی که منتظر آشوب در ایران بودند. دسته دوم کسانی بودند که در حوزه مدیریت خود ضعیف عمل کرده بودند اما در هر جایی پشت شهید سلیمانی پنهان شده بودند، اینها کسانی هستند که پیش از این ارزش‌های دیگر انقلاب را هم تضعیف کرده بودند، کسانی که به اسم عدالت آمدند و ناعدالتی کردند، کسانی که به اسم خدمت آمدند و دچار فساد اقتصادی شدند، کسانی که با اسم راستگویی آمدند و کماکان دروغ می‌گویند و همه اینها ارزش‌هایی بود که توسط فرصت‌طلبان سیاسی تضعیف شد. اینها کسانی بودند که سرمایه اجتماعی سلیمانی را به نفع خود مصادره کردند و این موضوع باعث شد که گروه اول تا حدی به دستاوردهای خود خوشبین شوند.

سید محمود میرلوحی: ملت ایران در مقابله با اقدامات خارجی متحد می‌شود و در گذشته هم به‌ویژه در رخداد انقلاب اسلامی و پس از آن، همواره گفته شده که ضداستبداد است. آقای سلیمانی با نیروهای مختلف سیاسی در رفت آمد بود و بعدها درباره مواضع او نیز شنیده شد که با تندروی‌ها موافق نبوده است و در سخنان خود اعلام می‌کرد که با خالص‌سازی و محدود کردن مخالف است. در مجموع عوامل مختلفی بوده، هم عوامل سیاسی و شخصیت خود او و هم اقدامی که آن جنایتکار کرد. ما در دوره‌ای بودیم که بر سر بگرام تفاهم‌هایی کرده بودیم و ترامپ برجام را ملغی کرد و جنایت‌های عجیبی انجام داد و در مجموع عوامل داخلی و خارجی و سیاسی دست به دست هم داد و آن جمعیت به‌صحنه آمد. **ناصر ایمانی:** عمدتاً بر شخصیت حاج قاسم سلیمانی و فداکاری‌هایی که برای کشور کرد، تأکید می‌کنم. او شخصیت همه‌جانبه‌ای داشت، بسیار باهوش بود، شجاع، دلاور و مردمی بود و به بحث‌های سیاسی و جناحی وارد نمی‌شد و به تعبیری انسان فرجانحی بود. مردم را دوست داشت و در منطقه بسیار تأثیرگذار بود. مجموعه این عوامل فاکتورهای اصلی بود که مردم پس از آن ترور به میدان آمدند.



در فاصله اندکی پس از این حادثه انتخابات مجلس یازدهم برگزار شد که در آن مشارکت پایینی رقم خورد. نظرتان درباره آن کاهش مشارکت چیست و چقدر حوادثی مانند سقوط هوایمائی اوکراینی و اعلام اتفاقی که منجر به این سقوط شد، رصلاحیت‌های انتخابات و نظارت استصوابی و در نهایت کرونا و تکذیب‌هایی که برای اعلام ورود به ایران صورت گرفت را در این تغییر تأثیرگذار می‌دانید؟



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: من با مثال توضیح می‌دهم؛ همین حالا نماینده‌ای را در مجلس داریم که با دروغ از سرمایه اجتماعی شهید سلیمانی استفاده کرد و وارد مجلس شد. در سخنرانی خود گفت در ضمیمه برجام اسم سی و چند سردار سپاه به آمریکا داده شده است و آن‌ها قربانی شده‌اند و نفر هفتم شهید سلیمانی است! چنین افرادی هستند که سرمایه‌های عظیم سیاسی و اجتماعی کشور را تضعیف می‌کنند و لذا دیدیم که این سرمایه مورد سوءاستفاده فرصت‌طلبان قرار گرفت و چنین موضوعی به جایگاه ارزنده این ارزها در کشور آسیب می‌زند. در جامعه ایران از ابتدای انقلاب تاکنون رابطه‌ای بین جایگاه ارزش‌های انقلابی و ایرانی در مقابل فرصت‌طلبی سیاسی را می‌بینیم. چه بسیار افراد فرصت‌طلب سیاسی که برای تظلم خود و رساندن خود به مقام‌ها و منصب‌ها پشت ارزش‌ها پنهان شدند و تظلم‌ها شدند اما ارزش‌ها را تخریب کردند. در سمت دیگری می‌بینیم که برخی از نهادهای ارزشی و دینی در ایران نگاه هوشمندانه‌ای به سیاستمداران فرصت‌طلب نداشتند که اسم این ارزها و نهادها را می‌آوردند و از آن‌ها سوءاستفاده می‌کردند. جمهوری اسلامی اگر بخواهد ارزش‌های خود را دوباره احیا کند اول باید مانع از سوءاستفاده کسانی که از این ارزش‌ها استفاده کردند، شود. از طرفی رفتارهای حضور مردم معنای خاص خود را دارد. معتقد خیلی از کسانی که در سال ۹۸ و در سال ۱۴۰۱ در روزهای اعتراض حضور داشتند، کسانی بودند که در تشییع پیکر شهید سلیمانی هم شرکت کرده بودند. جای ارزش‌ها برای آن‌ها مهم است. فرصت‌طلب‌ها کسانی بودند که افرادی را که در گروه ارزش‌های ایرانی و اسلامی قرار دارند، به عنوان معاند تعریف می‌کنند و امکان هرگونه ارتباط و رابطه عقلانی و عاطفی نظام سیاسی با مردم را قطع کردند و هر چند معتقد هرگونه آشوب‌سازی در کشور ظلم به مردم ایران و نظام است و آن را تأیید نمی‌کنم اما خیلی از دغدغه‌ها، واضح و آشکار و منطقی است. برای مثال در موضوع گرانی بنزین مردم شاهد خلاف واقع‌گویی برخی از سران قوا در ایران بودند و شاهد بودند مجلس هیچ نقشی در این موضوع نداشت و دور خورد و حتی نظرات کارشناسی هم دور خوردند و تصمیمی گرفته شد و کسانی که امضا کرده بودند حتی پای امضای خود هم نماندند. اینها واقعیت‌هایی است که باید به آن

ناصر ایمانی:
بخشی از آن سرمایه اجتماعی در واقع متعلق به خود حاج قاسم سلیمانی بود. یعنی الزاماً نمی‌توانیم بگوییم آن سرمایه‌ای که به میدان آمد، برای تأیید چیزی بود. چه بسا اگر همین امروز هم چنین واقعه‌ای تکرار شود، تردید ندارم همان جمعیت و حتی شاید بیشتر به میدان بیاید

توجه کرد. متأسفانه در تحولات مختلف ایران معمولاً جریانات انتقادی و اعتراضی با اتهامات و توهین‌ها مورد تخریب و تهدید و تنبیه قرار می‌گیرند و عوامل شکل‌گیری این انتقادات و اعتراض‌ها باز هم به روندهای اشتباه و مدیریت ضعیف خود ادامه می‌دهند و این واقعیتی است که مردم جلوی چشم خود می‌بینند و ضعف‌ها و نارسایی‌ها را می‌بینند. در ایران، ضعف شفافیت و غارتگری فرصت‌طلبان را می‌بینند. فرصت‌طلبانی که اختلاس‌های کلان آن‌ها بخش مهمی از بودجه عمرانی یک سال کشور را از بین می‌برد و مردم سوال می‌پرسند که چرا این اختلاس‌ها صورت گرفت و چه مجازات‌هایی صورت گرفته و آیا پول‌ها به خزانه برگشته‌اند و چرا پاسخ شفافیتی داده نمی‌شود؟ مجموعه این موضوعات است که باعث می‌شود تحولاتی شکل می‌گیرد و با الفاظ خنما هرگونه اعتراض و انتقادی رد می‌شود و کسانی که مانع انتقاد در جامعه می‌شوند مسئول شکل‌گیری اعتراضات در کشور هستند



سید محمود میرلوحی: جامعه همواره در قضایای مشابه، همدلی و همبستگی داشته است که نمونه آن را در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی دیدیم. اما به نظر حوادثی که به‌ویژه بعد از انتخابات ۹۶ رخ داد و ما شاهد آن حضور در انتخابات بودیم، اما پس از آن اعتراضات دی‌ماه ۹۶، مرداد ۹۷ و مجدداً اعتراضات سال ۹۸ نشان داد که در کنار افزایش سرعت انتقال اطلاعات، سرعت تغییر نظرات مردم نیز افزایش پیدا کرده است. دیدیم که به آقای روحانی آن رای را دادند اما در دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد بودیم که چه اتفاقاتی رخ داد. مقامات ما شیوه‌های مرسوم در دنیا از جمله نظرسنجی را انجام نمی‌دهند تا نظرات مردم را به روز بدانند؛ همچنین وقتی مطلع می‌شوند گاهی از روی تعمد آن مسائل و موضوعاتی را که به نفع‌شان نیست را نادیده می‌گیرند. در جریان اعتراضات سال گذشته شاهد بودیم که اعتراض مردم را اغتشاش اعلام کردند و راه گفت‌وگو باز نشد. در روزهای گذشته ۹ دی را داشتیم که هیچ‌وقت درباره این حرف نزدند که آن ترکیب جمعیت در آن ۹ دی را چه کسانی تشکیل دادند و آیا کسانی که الان برای سالگرد ۹ دی به خیابان می‌آیند، همان ترکیب جمعیتی هستند؟ باید دیدگاه، نظر، رضایت، مخالفت و موافقت مردم دیده و شنیده شود و باید تعریف شود.

مردم معترض‌اند و صدایشان شنیده نمی‌شود. مردم سوال دارند که چرا مشارکت حداکثری در انتخابات از دستور کار خارج شده است. اعتراض مردم نیز تقریباً می‌شود گفت تعلق محال است و اصل ۲۷ قانون اساسی محلی از اعراب ندارد. رسانه‌های ما هم محدود هستند و نه امکان بروز دیدگاه کسانی که مخالف هستند و یا متفاوت فکر می‌کنند فراهم می‌شود و نه امکان بروز مخالفت. همانطور که ۹ دی مردم به خیابان می‌آیند و اعتراض خود را اعلام می‌کنند، باید درباره دیگر اعتراضات نیز فرصت داشته باشند. الان تقریباً می‌شود گفت تمامی درجه‌های بروز نظر مردم و زمینه‌بروز بیان دیدگاه‌های مختلف، بسته شده است و تنها حرف عده‌ای خاص شنیده می‌شود و مخالفت دیگران نظر عده‌ای محدود و غرب‌گرا فرض می‌شود.



ناصر ایمانی: من هیچ کدام از فاکتورهایی را که فرمودید عامل اصلی در کاهش مشارکت مردم نمی‌دانم. به نظر من فاکتور اصلی در کاهش علاقه مردم برای شرکت در مناسبات و برای مثال انتخابات این است که آن‌ها احساس می‌کنند نوعی ناکارآمدی در اداره کشور وجود دارد. یعنی مسئولان مختلف ناکارآمدی دارند و صلاحیت آن‌ها شاید برای اداره کشور (نه اینکه اصلاً) کم باشد و نتیجه این می‌شود که اولاً یک شرایط اقتصادی سخت مواجه شدند و ناامیدی و یا کم‌امیدی از آینده جاری شده و مجموعه این شرایط فاکتور اصلی است؛ نه تنها فاکتور که علاقه مردم برای مشارکت سیاسی کاهش پیدا کند. به تعبیر دیگر اگر تورم بر فرض در حال حاضر ۱۵ درصد بود و برخی حرکتی که دولت یا مجلس در اداره کشور می‌کنند که از نظر مردم قابل قبول نیست، وجود نداشت، به نظر من الان نگرانی از میزان مشارکت نداشتیم. البته مطالب دیگری هم مطرح است؛ برای مثال پس از حوادث سال گذشته، مردم پالس‌هایی را از مسئولان مختلف دولتی در خصوص برخی مسائل اجتماعی دریافت می‌کنند که این برای آن‌ها قابل قبول نیست و همه این موارد منجر به کاهش مشارکت می‌شود. اما فاکتور اصلی همان است که مردم احساس می‌کنند کسانی که دارند حکومت می‌کنند با توجه به شرایط کشور، چندان صلاحیت اینکه بخواهند این مسئولیت‌ها را برعهده داشته باشند، ندارند و نتیجه آن ناامیدی از آینده، تورم و دیگر مشکلاتی است که مردم این روزها احساس می‌کنند.

چقدر تلاش برای یکدست‌سازی و خالص‌سازی در حکومت را، در از بین رفتن محبوبیت و موقعیت سرمایه‌های اجتماعی حکومت اثرگذار می‌دانید؟



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: در هیچ زمانی در این حد، قوای سه‌گانه به اندازه اکنون یکدست نبودند و یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد ایران در همین زمانه شکل گرفت و متأسفانه هنوز اطلاع‌رسانی روشنی درباره این دست پرونده‌ها صورت نگرفته است. معتقد یکدستی همواره در معرض تبانی سیاسی است در صورتی که اصل اساسی در حکومت سیاسی وجود رقابت و نظارت سالم است. به‌ویژه که در ایران سازوکارهای نهادی برای پایان دادن به بن‌بست‌ها هم وجود دارد. در نظام سیاسی ایران که برخی دستگاه‌های بن‌بست‌شکن وجود دارند، نظام نباید نگران تنوع رفتار و رقابت سیاسی باشد و به کسانی که دنبال یکدستی هستند اجازه دهد تا رقابت سیاسی را از بین ببرند. معتقد بخشی از ضعف مشارکت انتخاباتی ناشی از تلاش کسانی است که به دنبال یکدستی هستند و این یکدستی را تنها در صورتی قبول دارند که خودشان صاحب قدرت باشند...



سید محمود میرلوحی: دنیای امروز دنیای ارتباطات است و تنوع رسانه‌های مجازی دیگر اجازه نمی‌دهد که فکر کنید با یک جامعه بسته رویه و هستتید و فکر و ذکر و اندیشه مردم را می‌شود کنترل کرد. شواهد و نشانه‌های ناراضی‌ناامیدی در کشور کاملاً مشخص است. و این یکدست‌سازی‌ها عواقب خود را نشان داده که نمونه آن را در مهاجرت نخبگان از کشور می‌بینیم. اما این موضوع فراموش شده که مقبولیت و محبوبیت زمانی به دست می‌آید که مردم راضی باشند و این موضوع الان از دست رفته است. با این موضوعات کشور لطمه دیده است در حالی که اگر رقابت برقرار بود، مردم فرصت ابراز نظر خود را پیدا می‌کردند، چه در مجلس و چه در دیگر سمت‌ها و اینها ناراضی‌ناامیدی به وجود می‌آورد و همه سرمایه‌های اجتماعی نظام در چشم مردم یکسان دیده می‌شوند و از جایی فقط مخالفت خود را اعلام می‌کنند چرا که یک حکومت یکدست نخواسته که صدای آن‌ها را بشنود. در صورتی که اگر این نظام می‌توانست همه ظرفیت‌ها، نخبگان، استعدادها، مخالفان و موافقان را در کنار هم دیگر جمع کند، این امکان وجود داشت که با جالش‌های بزرگی که جلوی راه کشور ما

قرار دارد، مقابله کند. اگر دولت، دولت برآمده از اکثریت باشد و آرای‌ها داشته باشد که در سال ۷۶ رخ داد و در سال ۹۶ هم تکرار شد، قدرت مردمی در داخل و خارج به کمک می‌آید.



ناصر ایمانی: از تعبیر یکدست‌سازی استفاده نمی‌کنم. بحث من این است که کشور و به‌ویژه جایی مانند مجلس که مرکز مشورت است، باید علاقه‌ها و سلاطین گوناگون را در خود جای دهد تا یک نگاه واحد به مسائل و مشکلات کشور وجود نداشته باشد و از جنبه‌های مختلف به موضوعات پرداخته شود. در نتیجه هر زمانی که نوعی همسان‌سازی افکار برای اداره کشور داشته باشیم، دچار مشکل می‌شویم. این موضوع جدیدی هم نیست و در مجلس ششم نیز این اتفاق رخ داد. مجلس و دولت کاملاً همسوی بودند و در آن زمان نیز ما این استدلال را داشتیم که تفکر یکسان در دولت و مجلس منجر به کاهش مشارکت افکار عمومی می‌شود و سنگ‌اندازی به سمت نظام نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه مسئولان مربوطه باید در امور مربوط به انتخابات، مقداری تسامح به خرج دهند و هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد اگر تنوع افکار و عقاید در مجلس وجود داشته باشد.

سیاستمداران



استفاده گزینشی از سخنان امام

آیت‌الله سید محمود عدلی‌ایازی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با جماران درباره کم‌توجهی برخی نهادهای فرهنگی به امام خمینی گفت: «استفاده‌های گزینشی از بیانات و اندیشه‌های حضرت امام در دوره اخیر از سوی حاکمیت و به‌ویژه صداوسیما و رسانه‌های رسمی انجام می‌گیرد. نکته دیگر استفاده ابزاری و گزینشی است؛ چنانکه آنچه از سخنان ایشان مربوط به اهمیت جمهوریت و آزادی است اصلاً منتشر نمی‌شود. امام شخصیتی معرفی شده است که برای مباحث خاصی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرد.» او ادامه داد: «طبعاً این باعث شده است که بسیاری از افراد که شخصیت امام را درک نکرده و یا آن سخن و شیوه و موضع‌گیری‌های ایشان در برابر قانون‌شکنان را ندیده‌اند، نگاه اصیل و ناب را به امام نداشته باشند. به دلیل اینکه نسل جدید از مسائل و قضایای ابتدای انقلاب اطلاعی ندارند.»



اصلاح‌طلبان لیست می‌دهند

عباس سلیمی‌نمین، فعال سیاسی اصول‌گرا در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره دلایل احتمال نرسیدن اصول‌گرایان به لیست واحد برای انتخابات مجلس دوازدهم گفت: «نرسیدن اصول‌گرایان به لیست واحد می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، به این ترتیب که توهم، سهم‌خواهی، سهم‌خواهی بیشتر یا عدم توجه محض به مقوله انتخابات همگی می‌توانند علت به وحدت نرسیدن اصول‌گرایان در انتخابات آینده تلقی شوند. نکته دیگر این است که اگر تصور کنیم خودمان به تنهایی می‌توانیم پایگاه رای اصول‌گرایان را فعال کنیم، تصویری غلط و ناشی از برداشت خطا است.» او درباره اصلاح‌طلبان گفت: «قطعاً اصلاح‌طلبان حتی در تهران هم لیست خواهند داد بنابراین اصول‌گرایان بدون رقیب نیستند. ضمن اینکه چنین نگاهی غلط است چرا که حتی اگر ما اصول‌گرایان رقیب نداشتیم هم داریم، باید بر روی افزایش آرای نامزدها تمرکز می‌کردیم چرا که نماینده‌ای با آرای پایین منشأ تأثیر چندانی نخواهد بود.»



تکذیب انصراف باهنر

احمد نیکفر عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسان در گفت‌وگو با تسنیم، درباره شایعه انصراف محمدرضا باهنر از کاندیداتوری در انتخابات مجلس دوازدهم، گفت: «تا این لحظه این خبر شایعه است و ایشان چنین تصمیمی نداشتند؛ متأسفانه برخی افراد برای اغراض سیاسی خود از اسم آقای باهنر در مصاحبه‌هایشان سوءاستفاده می‌کنند. برخی نمایندگان ادوار قبلی مجلس از تهران ثبت‌نام کردند و تلاش دارند فهرستی جدا با سرلیستی آقای باهنر معرفی کنند؛ برخی اصلاح‌طلبان هم تلاش دارند تا ایشان را شخصیت نزدیک به آقای لاریجانی معرفی کنند که قرار است با اصلاح‌طلبان ائتلاف کند که هیچ کدام اینها صحت ندارد و می‌خواهند بین ایشان و آقای قالیباف اختلاف بیندازند.» او ادامه داد: «تلاش آقایان باهنر، قالیباف و حدادعادل این است که نیروهای انقلاب و اصولگرا در تهران به یک فهرست واحد برسند. اکنون که اصلاح‌طلبان خوش‌خیم به این نتیجه رسیده‌اند که در تهران لیست بدهند باید تلاش ما هم دستیاری به وحدت باشد.»